مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

انجنیر فضل احمد افغان ۲۰۲۶/۰۹/۱۳

معمای ناگشودهٔ ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م

برای ملتهای امریکا و جهان

واقعیتِ مبرهن و شرم آورِ خروج امریکا

از افغانستان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱م

بیست وپنج سال از حادثهٔ تکاندهندهٔ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م میگذرد؛ حادثه ای که نهتنها تاریخ امریکا، بلکه مسیر تحولات سیاسی و امنیتی جهان را دگرگون ساخت. با این حال، هنوز پرسشهای مهم وبحث برانگیزی دربارهٔ ابعاد، زمینه ها و پیامدهای آن در میان ملتها و پژوهشگران مطرح است؛ پرسشهایی که برای بسیاری همچنان پاسخی قانع کننده و همه جانبه نیافته اند.

اما در سوی دیگر این معادله، افغانستان قرار دارد؛ کشوری که پس از دو دهه جنگ و حضور نظامی امریکا و متحدانش، در ۱۵ اگست ۲۰۲۱م شاهد خروج شتابزده و آشفتهٔ نیروهای امریکایی و فروپاشی نظام جمهوری بود. تصاویر آن روز از میدان هوایی کابل و سرگردانی هزاران انسان، برای همیشه در حافظهٔ تاریخ معاصر افغانستان وجهان باقی خواهد ماند.

اگر درد و رنج مردم امریکا در ۱۱ سپتامبر را نمیتوان فراموش کرد، به همان اندازه نیز نمیتوان درد ورنج ملت مظلوم افغانستان را در ۱۵ اگست ۲۰۲۱م نادیده گرفت. تفاوت در این است که قربانیان ۱۱ سپتامبر در یک رویداد ناگهانی و هولناک جان باختند؛ اما ملت افغانستان دهه ها در آتش جنگ، خشونت، آوارگی، فقر، بیثباتی و مداخلات خارجی سوخت و سرانجام در برابر چشمان جهان، شاهد فروپاشی د ستاوردهای دو دههٔ گذشته شد.

برای درک بهتر عمق این فاجعه، کافی است به تصویر یک مادر افغان بنگریم که در کنار دختر معصومش بر بالکن خانه ایستاده وبه آیندهای نامعلوم چشم دوخته است. او شاید در آن لحظه تنها به سرنوشت دخترش نمیاند یشد؛ نگاهش میتواند بازتاب نگرانی میلیونها مادر وپدر افغان باشد که نمیدانستند فردای فرزندانشان چگونه خواهد بود.

آن مادر، در سکوت، گویی از تاریخ مادر وطنش میپرسد: چرا پس از این همه سال جنگ و قربانی، دوباره به این نقطه رسیدیم؟ چرا سرنوشت یک ملت بار دیگر چنین آسان در برابر چشمان جهان تغییر کرد؟ و مسؤولیت تاریخی این فاجعه بر دوش چه کسانی است؟

این تصویر برای من تنها تصویر یک مادر و یک کودک نیست؛ نمادی از افغانستان و نسلهای سرگردان آن است؛ نمادی از ملتی که بارها قربانی رقابت قدرتهای بزرگ شده و هر بار مصارف سنگین تصمیم هایی را پرداخته است که گاه بدون حضور و رضایت خود افغانها گرفته شده اند.

از همین جاست که پرسش اصلی این مقاله شکل میگیرد: آیا میان حوادث و تصمیم هایی که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م تا ۱۵ اگست ۲۰۲۱م جهان وافغانستان را دگرگون ساخت، پیوندی تاریخی وجود دارد که هنوز به درستی بررسی نشده است؟

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

این مقاله در پی آن است که با نگاهی تاریخی و انتقادی، این دو تاریخ سرنوشتساز را در کنار یکدیگر قرار دهد؛ نه برای نادیده گرفتن رنج هیچ ملتی، بلکه برای یافتن حقیقت، بررسی مسؤولیتها وپاسخ به پرسشهایی که هنوز در ذهن میلیونها انسان در امریکا، مخصوصاً افغانستان و سراسر جهان باقی مانده است

مادر درمانده و آینده‌ای نامعلوم

مادری درمانده، همراه با دختر معصومش، بر بالکن خانه ایستاده و با چشمانی نگران به افقی نامعلوم می‌نگرد. این تصویر، تنها روایت اندوه یک مادر ویک دختر نیست؛ بلکه بازتاب درد و نگرانی میلیون‌ها زن، مادر ودختر افغان است که امروز در برابر آینده‌ای مبهم ایستاده‌اند وجز سایه‌های تاریک، چشم‌انداز روشنی در پیش روی خود نمی‌بینند.

توافق‌نامهٔ موسوم به «صلح» که در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ با طالبان مذاکره شد و سپس خروج شتاب زدهٔ نیروهای امریکایی در ۱۵ماه آگست ۲۰۲۱ در زمان ریاست جمهوری جو بایدن، افغانستان را با واقعیتی روبرو ساخت که برای بسیاری از مردم این کشور باورکردنی نبود. دستاوردها، امیدها و وعده‌های دو دهه، در مدت کوتاهی فرو ریخت و حقوق، آرزوها و آیندهٔ یک نسل کامل از زنان و دختران افغان، در پای یک توافق سیاسی شتاب زده قربانی شد.

افغانستان در طول تاریخ طولانی و پرآشوب خود، فاجعه‌های بی‌شماری را از سر گذرانده است؛ جنگ‌ها، اشغال‌ها، ویرانی‌ها، مهاجرت‌ها و دوره‌های طولانی بی‌ثباتی، بارها زندگی مردم این سرزمین را دگرگون ساخته است. با این همه، رها کردن ملیون‌ها زن و دختر افغان در آغاز قرن بیست ویکم، یکی از درد ناک‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر افغانستان به شمار می‌رود.

این تنها یک تصمیم سیاسی نبود؛ برای میلیون‌ها انسان، یک تراژدی انسانی و یک شکست عمیق اخلاقی بود؛ شکستی که نباید از حافظهٔ تاریخ محوه شود و داوری دربارهٔ آن، نسل‌های آینده را نیز به خود مشغول خواهد کرد.

بلی تاریخ افغانستان شاهد یک واقعیت تلخ دیگر نیز بوده است: این سرزمین بارها به میدان و سرانجام به گورستان بلند پروازی‌های قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است.

امپراتوری بریتانیا چندین بار وارد افغانستان شد و پس از تحمل تلفات سنگین انسانی، نظامی و اقتصادی، سرانجام ناگزیر به عقب نشینی گردید. اتحاد شوروی نیز افغانستان را نزدیک به یک دهه اشغال کرد و پس از تحمل خسارات عظیم انسانی و مادی، نیروهای خود را از کشور بیرون کشید. سپس، در پی رویدادهای فاجعه بار یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده و متحدان ناتو وارد افغانستان شدند و بیست سال در این کشور حضور داشتند. اما در ۱۵ماه آگست ۲۰۲۱، خروج آنان با چنان شتابی صورت گرفت که کشوری با آیندهٔ سیاسی نامعلوم و ملتی با سرنوشت ناپایدار از خود بر جای گذاشت.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

آنچه پس از آن رخ داد، برای مردم افغانستان دردناک‌تر بود.

طالبان که در سال ۲۰۰۱م بنام تروریست از قدرت برکنار شده بودند و بازگشت دوبارهٔ آنان برای بسیاری از افغان‌ها تقریباً تصورناپذ یر به نظر می‌رسید، بار دیگر از طریق یک روند سیاسی به قدرت بازگشتند؛ اما مصارف و پیامدهای این تصمیم را نه طراحان و تصمیم گیرندگان توافق، بلکه مردم افغانستان پرداختند و در میان آنان، زنان و دختران بیش از همه آسیب دیدند.

کشوری که طی دو دهه برای ایجاد نهادهای دولتی، آموزش نسل جوان، گسترش آزادی‌های مدنی و افزایش حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و عمومی تلاش کرده بود، ناگهان در مسیری قرار گرفت که بسیاری آن را بازگشت به گذشته می‌دانستند؛ دوره‌ای همراه با محدودیت‌های شدید، محرومیت وترس.

برای بسیاری از افغان‌ها، این بازگشت، دردناک وباورناکردنی است. آنان به گذ شته می‌نگرند واز خود می‌پرسند: چگونه کشوری که نسل جوان آن با امید به آینده رشد کرده بود، بار دیگر به شرایطی بازگشت که مردم گمان می‌کردند متعلق به تاریخ گذشته است؟

مردم افغانستان پیش از این نیز دهه‌ها جنگ، آوارگی، فقر، مهاجرت و آشفتگی سیاسی را تحمل کرده بودند؛ اما یک بار دیگر ناگزیر شدند بهای تصمیم‌هایی را بپردازند که در بسیاری موارد، خارج از اراده و اختیار آنان اتخاذ شده بود.

۱-درس تاریخ

درس تاریخ معاصر افغانستان باید روشن باشد.

سه قدرت بزرگ امپراتوری بریتانیا، اتحاد شوروی و ایالات متحده با متحدان ناتوی آن هر یک با پرداخت مصارف سنگین انسانی، نظامی و اقتصادی، به این واقعیت پی برده‌اند که افغانستان را نمی‌توان برای همیشه صرفاً با نیروی نظامی مطابق خواست قدرت‌های خارجی دگرگون ساخت.

کشورچین، به‌عنوان یکی دیگر از قدرت‌های بزرگ جهان، این تجربه‌ها را با دقت دنبال کرده است. بعید به نظر می‌رسد که چین بخواهد دقیقاً همان اشتباهات راهبردی قدرت‌های پیشین را تکرار کند؛ اشتباهاتی که برای آنان مصارف هنگفت به همراه داشت. از این رو، کشورچین و دیگر قدرت‌های بزرگ احتمالاً خواهند کوشید منافع اقتصادی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نفوذ منطقه‌ای و جایگاه‌های راهبردی و ژئوپولیتیکی خود را از طریق رویکردی محتاطانه تر، واقع‌گرایانه تر و عمل‌گرایانه حفظ کنند.

در کنار عوامل خارجی، وضعیت سیاسی داخلی افغانستان نیز مانعی بزرگ در برابر تغییر سریع به شمار می‌رود.

بسیاری از جنگ‌سالاران و چهره‌های سیاسی پیشین که در سال‌های جنگ از قدرت ونفوذ خود بهره بردند و ثروت‌های هنگفتی اندوختند، بخش بزرگی از سرمایه و دارایی‌های خود را به خارج از کشور انتقال داده‌اند. آنان که سال‌ها واقعیت قدرت، جنگ و تبعید را تجربه کرده‌اند، ممکن است نه انگیزه و نه توان لازم برای بازگشت به افغانستان و ورود دوباره به یک رقابت خطرناک برای دستیابی به قدرت سیاسی را داشته باشند.

از این رو، بازگشت سریع به نظام سیاسی پیشین، در شرایط کنونی، چندان محتمل به نظر نمی‌رسد.

۲-آینده‌ای که هنوز نوشته نشده است

با توجه به این واقعیت‌ها، ممکن است افغانستان در آیندهٔ قابل پیش‌بینی همچنان تحت حاکمیت طالبان باقی بماند. اما این به آن معنا نیست که نظام کنونی برای همیشه بدون تغییر خواهد ماند.

قدرت‌های بزرگ و سازمان ملل متحد همچنان به د نبال راه‌هایی برای تأثیرگذاری بر طالبان و تشویق تدریجی آنان به تغییر در شیوهٔ حکومت داری خواهند بود. تعامل جامعهٔ جهانی با افغانستان احتمالاً در مسیری محتاطانه،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکي په ځير و لولئ

عمل گرایانه و گاه متناقض ادامه خواهد یافت؛ از یک سو برای کاهش بحران انسانی و سیاسی واز سوی دیگر برای حفاظت از منافع اقتصادی، امنیتی، راهبردی و ژئوپولیتیکی.

خود طالبان نیز ممکن است با گذشت زمان دستخوش تغییر شوند. هیچ جنبش سیاسی نمی‌تواند برای همیشه از تأثیر واقعیت‌های جدید، دگرگونی نسل‌ها، فشارهای اقتصادی، تعامل با جهان خارج و دشواری‌های ادارهٔ یک جامعهٔ پیچیده مصون بماند.

بنابراین، آیندهٔ افغانستان شاید نه با یک رویداد سیاسی ناگهانی و سرنوشت ساز، بلکه از طریق روندی آهسته، دشوار و پیچیده شکل گیرد؛ روندی که در آن تحولات داخلی، فشارهای خارجی، خواست مردم و شرایط منطقه‌ای وجهانی، همگی نقش خواهند داشت.

اما در میان همهٔ این تحولات، یک اصل اساسی نباید هرگز فراموش شود:

۳-مردم افغانستان نباید بار دیگر بهای محاسبات راهبردی دیگران را بپردازند.

افغانستان متعلق به مردم افغانستان است؛ نه به قدرت‌های خارجی، نه به جناح‌های سیاسی، نه به جنگسالاران و نه به هیچ ایدئولوژی‌ای که کرامت انسانی و حقوق اساسی شهروندان این سرزمین را انکار کند.

تصویر مادری که در کنار دختر معصومش ایستاده وبه افقی نامعلوم چشم دوخته است، نباید تنها نمادی از ناامیدی باشد. این تصویر باید برای افغانستان و برای جهان، ندایی از وجدان و یادآوری یک حقیقت بزرگ باشد:

صلح بدون عدالت، امنیت بدون آزادی و توافق سیاسی بدون حضور و صدای مردم، نمی‌تواند آینده‌ای پایدار و ماندگار بسازد.

افغانستان شایستهٔ آینده‌ای بهتر است؛ آینده‌ای که در آن پسران و دختران این سرزمین بتوانند در صلح زندگی کنند، از آموزش برخوردار باشند، با عزت و کرامت کار کنند، در سرنوشت کشور خود سهم بگیرند و به جای ترس، با امید به فردا بنگرند.

نباید اجازه داد تاریخ افغانستان بار دیگر به چرخه‌ای تبدیل شود که در آن یک نسل می‌سازد، نسل دیگری ویران می‌کند، ودر پایان، این بی‌گناهان‌اند که بهای آن را می‌پردازند.

آیندهٔ افغانستان باید آینده‌ای باشد که مردم افغانستان خود در ساختن آن سهم داشته باشند؛ آینده‌ای بر بنیاد صلح، عدالت، آموزش، آزادی، وحدت ملی و کرامت انسانی باشد.

و من الله توفیق

افغان خادم افغان

انجنیر فضل احمد افغان.
کانادا:-۱۱سپتمبر ۲۰۲۶م

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ